

آموزش قواعد عربی

با مثال و توضیحات کامل



آموزشگاه زبان ملل

درس ۱

معرفه - نکره

اسم دو نوع است

(۱) معرفه (۲) نکره

معرفه : اسمی است که بر شخص یا شیء مشخص دلالت دارد

نکره : اسمی است که بر شخص یا شیء نامشخص دلالت دارد

انواع معارف:

- علم
- ضمیر
- اسم اشاره
- اسم موصول
- معرفه به «ال»
- معرفه به اضافه

نکته:

در زبان عربی برخلاف فارسی ، نکره علامت خاصی ندارد . پس :

تتوین لزوماً علامت نکره نیست .

نکته :

هر اسمی نکره است مگر آنکه جزء یکی از معارف باشد.

معارف :

(۱) عِلْم :

هرگاه فردی را از میان افراد یک جنس انتخاب کنیم و نام مشخصی را بر او بگذاریم آن را اسم علم (خاص) می نامیم .

مانند: الله ، محمد ، لبنان ، مکه ، کارون ، ...

۲) ضمیر :

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم ظاهر (غیر ضمیر) می نشیند و از تکرار آن جلوگیری می کند.

نکته : همه ضمایر معرفه می باشند.

۳) اسم اشاره :

اسمی است که برای نشان دادن شخص ، شیء یا مکانی به کار می رود .

مانند : هذا ، تلك ، اولئك ، ...

اسم اشاره دو نوع است : ۱) اشاره به اشخاص و اشیاء

۲) اشاره به مکان

اسم اشاره به اشخاص و اشیاء :

مذكر: هذا (نزدیک)، ذاك (دور)، هذان - هَـذَینِ - هؤلاء (نزدیک)، اولئك (دور)

مؤنث: هذه (نزدیک)، تلك (دور)، هاتان - هَاتَینِ - هؤلاء (نزدیک)، اولئك (دور)

نکته : هؤلاء و اولئك فقط برای اشاره به جمع (مذكر یا مؤنث) انسان و استفاده می شود .

***نکته :**

برای اشاره به جمع غیر انسان (مذكر یا مؤنث) از هذه یا تلك استفاده می شود .

***نکته:**

مشارٌ الیه (اسم بعد از اشاره) هرگاه همراه «ال» بیاید اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می شود.

مانند:

هذه الطالبةُ مُجتهدَةٌ. این دانش آموز، کوشا است.

هؤلاء الطالباتُ مُجتهداتٌ. این دانش آموزان، کوشا هستند.

***نکته:**

مشارٌ الیه (اسم بعد از اشاره) هرگاه بدون «ال» بیاید اسم اشاره طبق صیغه خود ترجمه می شود.

مانند:

هذه طالبةٌ مُجتهدَةٌ. این ، دانش آموز کوشایی است.

هؤلاء طالباتٌ مُجتهداتٌ. این ها، دانش آموزان کوشایی هستند.

۲) دور: هُناکَ

اسم اشاره به مکان : ۱) نزدیک : هُنا

۴) اسم موصول

مفهوم اسم موصول

أحب أمي التي سهرت من أجلي .

أُحِبُّ أُمِّي

- آیا این جمله معنای کاملی دارد ؟ بلی

أحب أمي التي

- آیا معنی جمله کامل ماند ؟ خیر

- کدام کلمه معنای جمله را ناقص کرد ؟ التي

- کلمه (التي) اسم است ؟ یا فعل ؟ یا حرف ؟ اسم

- آیا این اسم (التي) به تنهایی معنی و دلالت واضحی دارد ؟ خیر

- آیا این اسم (التي) برای اینکه معنی پیدا کند به جمله ای پس از خود نیاز دارد ؟ بلی

پس معنای آن به جمله بعد از آن مرتبط است .

- اسمی که معنای آن با جمله بعد از خود کامل می شود چه نامیده می شود ؟ اسم موصول

- جمله ای که بعد از اسم موصول می آید و معنای آن را کامل می کند چه نامیده می شود ؟

«جمله ی صله»

با این توضیحات چه نتیجه ای می گیریم ؟

نتیجه می گیریم :

اسم موصول :

اسمی است که معنای آن با جمله ای که بعد از آن می آید «جمله صله» کامل می شود و دو جمله را به هم وصل می کند

چند مثال :

نجح التلاميذ الذين ثابروا على الدراسة .

نجحت التلميذات اللاتي ثابرن على الدراسة

نجحت التجارب التي أجريت في المختبر

نجح التلميذ الذي ثابر على الدراسة.

نجحت التلميذة التي ثابرت على الدراسة.

نجح التلميذان اللذان ثابرا على الدراسة .

نجحت التلميذتان اللتان ثابرتا على الدراسة.

اسم موصول ٢ نوع است : خاص و عام (مشترك)

اسم های موصول خاص عبارتند از :

الذي : برای مفرد مذکر

التي : برای مفرد مؤنث و جمع غیر العاقل

اللذان : برای مثنی مذکر

اللتان: برای مثنی مؤنث

الذين : برای جمع مذکر

اللتي : برای جمع مؤنث

اسم های موصول عام عبارتند از :

ما : برای اشیاء

مَنْ : برای اشخاص

مانند : احْتَرِمَ مَنْ هو اصغر منك . أنفق بِمَا عندك في سبيل الله .

٥) معرفه به «ال» : هرگاه به ابتدای اسم نکره ای «ال» افزوده شود آن را معرفه به «ال» می نامیم .
مانند: ال + کتابٌ = الكتابُ

نکته : چنانچه «ال» به اول اسم علم افزوده شود معرفه به «ال» به شمار نمی آید. مانند: الرشيد

٦) معرفه به اضافه : هرگاه اسم نکره ای به یک اسم معرفه مضاف شود آن را معرفه به اضافه می نامیم .
مانند: كتاب المعلم ، كتاب معلم المدرسة

درس ۲

اعراب فرعی (با حروف)

کلمه از نظر حالت آخر آن بر ۲ قسم است :

(۱) مبنی (۲) معرب

مبنی : کلمه ای است که آخرش چه از لحاظ حرکت و چه از لحاظ حرف بر يك حالت ثابت مي ماند.

مانند:

(۱) جاءَ هذا الرجلُ (۲) اشتریتُ هذا الكتابَ (۳) مررتُ بهذا الرجلِ

« هذا » در مثال اول فاعل و در مثال دوم مفعول و در مثال سوم مجرور به حرف جر است. اما اعراب رفع و نصب و جر در (هذا) ظاهر نشده است.

معرب : کلمه ای که آخرش از لحاظ حرکت و یا از لحاظ حرف متغیر است.

مانند:

(۱) جاءَ عليّ . (۲) رأيْتُ عليّاً . (۳) مررتُ بِعليّ .

« علی » در مثالهای فوق به ترتیب فاعل و مرفوع، مفعول و منصوب و مجرور به حرف جر است، چون «علي» معرب است اعراب مختلف بر آن ظاهر شده است.

نکته : همه اسم ها به جز تعداد معدودی معرب به شمار می آیند.

مهم ترین اسم های مبنی عبارتند از :

- ضمير
- اسم اشاره
- اسم استفهام
- اسم موصول
- اسم شرط
- اعداد مرکب

نکته : همه حروف مبنی می باشند.

افعال مبنی عبارتند از :

- ماضی
- امر
- مضارع (صیغه ۶ و ۱۲)

حالات کلمه مبنی (اعم از اسم ، فعل و حرف) :

* مبنی بر ضم : نَحْنُ ، مُنْذُ

* مبنی بر فتح : كَتَبَ ، هُوَ

* مبنی بر کسر : لِي ، هُوَ لَاءِ

* مبنی بر سکون : يَكْتُبَنَّ ، مَنْ

نکته : حالت بناء در افعال مبنی بر اساس حرکت لام الفعل می باشد .

نکته : فعل مضارع جز در ۲ حالت معرب است .

(۱) اتصال نون جمع مؤنث به آن.

(۲) اتصال نون تأکید به آن .

انواع اعراب : ظاهری

محلی

تقدیری

علامت های اعراب ظاهری ۲ نوعند : (۱) اصلی (۲) فرعی (نیایی)

علامت های اصلی اعراب ظاهری عبارتند از : رفع : ضمه

نصب : فتحه

جر : کسره

جزم : سکون

نکته :

هرگاه به جای علامت های اصلی اعراب ظاهری ،حرف یا حرکت دیگری بیاید آن را اعراب
فرعی (نیابی) می نامند

اعراب فرعی(نیابی) ۲ قسم است :

(۱) با حروف

(۲) با حرکات

علامت های فرعی اعراب (با حروف)

(۱) جمع مذکر سالم رفع:واو مانند : جَلَسَ المُعَلِّمُونَ

نصب : یاء مانند : رَأَيْتُ المُعَلِّمِينَ

جر : یاء مانند : سَلَّمْتُ على المُعَلِّمِينَ

(۲) مثنی (اسم) رفع:الف مانند : شَرِبْتَ الْغَزَالَتَانِ

نصب : یاء مانند : رَسَمْتُ الْغَزَالَتَيْنِ

جر:یاء مانند : نَظَرْتُ الى الْغَزَالَتَيْنِ

(۳) اسماء خمسہ رفع:واو مانند : ذُو النَّعْمَةِ يَشْكُرُ رَبَّهُ

نصب:الف مانند : رَأَيْتُ أَخَاكَ فِي الطَّرِيقِ

جر:یاء مانند : سَلَّمْتُ على أَبِيكَ

(۴) افعال خمسہ (فعل مضارع) رفع:ثبوت نون مانند : هُمْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ

نصب :حذف نون مانند : المُؤْمِنُونَ لَنْ يَكْذِبُوا

جزم:حذف نون مانند : لَا تُشْرِكُوا بِاللهِ شَيْئاً

درس ۳

اعراب فرعی (با حرکات)

*علامت های فرعی اعراب (با حرکات):

در ۲ مورد زیر علامت اعراب (فرعی) با حرکات است .

- (۱) جمع مؤنث سالم رفع: ضمّه مانند : جَلَسَتِ المعلّماتُ. (اصلی)
نصب : کسره مانند : رَأَيْتُ المعلّماتِ. (فرعی)
جر : کسره مانند : سَلَّمْتُ عَلَى المعلّماتِ. (اصلی)

- (۲) اسم غیر منصرف رفع: ضمّه مانند : فلسطينُ أَرْضُ الأنبياءِ..
نصب : فتحه مانند : الأعداءُ غَصَبُوا فلسطينَ.
جر : فتحه مانند : قَتَلَ الأعداءُ الأَطْفَالَ فِي فلسطينَ.

اسم غیر منصرف (ممنوع من الصرف) :

اسم معربى است که هیچگاه تنوین نمی گیرد و علامت جر آن با کسره است . و مهم ترین انواع آن عبارتند از :

- (۱) علم مؤنث مانند : فاطمة ، مريم ، مكة ، بغداد
(۲) علم غیر عربی مانند : ابراهيم ، مريم ، فرزند
(۳) صفت بر وزن « افعل » مانند : أجمل ، أحمر
(۴) جمع مکسر بر وزن «مفاعل» یا «مفاعیل» مانند : مَسَاجِدُ ، مَفَاتِيحُ ، شَوَاهِدُ ، قَوَانِينُ

نکته : علامت جر اسم غیر منصرف در ۲ صورت کسره (اصلی) است :

- (۱) هرگاه «ال» بگیرد . مانند : ذهبْتُ الى المساجِدِ .
(۲) هرگاه مضاف شود . مانند : ذهبْتُ الى مساجِدِ الله .

درس ۴

اعراب محلی و تقدیری

* اعراب محلی:

(۱) کلمات مبنی

مانند : أحبُّ هذه الغزاة.

مفعولٌ به محلاً منصوب

(۲) جمله

مانند : المعلمُ يُدرِّسُ التلاميذ .

خبر محلاً مرفوع

(۳) شبه جمله

مانند : النظافةُ من الإيمان.

خبر محلاً مرفوع

* اعراب تقدیری (در اسم):

(۱) اسم مضاف به ضمیر «ی»

مانند : هذا ربي

خبر تقدیراً مرفوع

(۲) اسم مقصور

مانند : السلام على من اتبع الهدى

مفعولٌ به تقدیراً منصوب

(۳) اسم منقوص

مانند : الساعي كالخير كفاعله.

مبتدا تقدیراً مرفوع

نکته : اعراب اسم منقوص فقط در حالت رفع یا جر تقدیری است .

اسم مقصور : اسمی است که حرف آخر آن (الف) باشد ، مانند: هُدًى . عَطَشًى . موسى . عصا . دنیا

منقوص: اسمی است که در آخر آن (ی ماقبل مکسور) باشد. مانند: القاضي . الكافي . الراضي

چند نکته درباره اسم منقوص ومقصور:

۱. اسمی که آخرش «یاء» مُشَدَّد باشد. مانند: مَرَضًى وکُرْسًى یا یای آن جزء کلمه نباشد. مانند: أبی وَاخًى (اسماء خمسه) یا ما قبلش مکسور نباشد. مانند: طَبْی وَوَحًى (ما قبل یای آخر ساکن باشد) اسم منقوص نمی باشند

۲. برخی اسمها به اسم منقوص شباهت دارند اما منقوص نیستند. چون «ی» جزء حروف اصلی آنها نیست و جمع مکسر نیز نمی باشند. مانند اسم مضاف به یاء متکلم ، « کتابی، قلمی » که اعراب آنها تقدیری است اما اسم منقوص نیستند بلکه مضاف به یاء متکلم هستند.

۳. اسمهایی که آخر آنها «یاء مُشَدَّد» داشته باشند، منقوص نیستند. مانند: غَنًى - عَلًى - نَبًى - وَلًى - قَوًى. بنابراین اعراب آنها اصلی است و همه گونه علائم اعرابی (َ) را می پذیرند.

۴. هرگاه اسم منقوص بدون « ال » باشد و « مضاف » واقع نشود ، در حالت « رفعی و جری » ، « یاء » آن حذف می شود و « تنوین کسره » می گیرد. اما در حالت نصبی حرف « یاء » به صورت خود باقی می ماند. در « حالت رفعی و جری اعرابش تقدیری » و در « حالت نصبی اعراب آن ظاهری و اصلی » است .

مانند : اَنْتَ هَادٍ لِکُلِّ عَاصٍ

هادٍ ← خبر و مرفوع تقدیراً . عاصٍ ← مضاف الیه و مجرور تقدیراً

۵. هرگاه اسم مقصور بدون «ال» باشد و «مضاف» واقع نشود با تنوین فتحه می آید. در این صورت «الف» آن لفظاً حذف می شود نه از نظر خط و کتابت.
مانند: هَذَا فَتًى يَسِيرٌ عَلَى هُدًى. این جوانی است که در مسیر هدایت گام می نهد.
فَتًى ← خبر و مرفوع تقدیراً. هُدًى ← مجرور به حرف جر تقدیراً

۶. تنوین اسمهای مقصور در حالت «رفعی و نصبی و جرّی» و اسمهای منقوص «در حالت رفعی و جرّی» علامت إعراب نیست. در این حالت می بایست به موقعیت کلمه در عبارت توجه کرد و إعراب آنها را تقدیری به حساب آورد.
مانند: كَلُكُم رَاعٍ و كَلُكُم مَسُوٌّ وَلٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. ← راع : خبر و مرفوع تقدیراً .

کلمه « راع » نقش خبری دارد اما تنوین جر گرفته است . ولی این تنوین علامت جر نیست. « راع » در اصل « راعی » بوده و اسم منقوص است و اسم منقوص در حالت «رفعی و جرّی» اگر «ال» نداشته باشد و «مضاف» واقع نشود «تنوین کسره» می گیرد و إعرابش تقدیری است یعنی به حرکت آخر آن نباید توجه کنیم . بنابراین می گوئیم «خبر و مرفوع تقدیراً» .

۷. در إعراب محلی و إعراب تقدیری باید به محل و موقعیت قرار گرفتن کلمه در جمله توجه کنیم . با این تفاوت که إعراب محلی برای کلمه های مبنی و جمله و شبه جمله (اگر نقش بپذیرند) می باشد و إعراب تقدیری برای کلمه های معرب (مقصور، منقوص و اسم مضاف به یاء متکلم) است

۸. اسم منقوص و اسم مقصور هیچگاه تنوین رفع (ُ) نمی گیرند.

درس ۵

ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

صفت: کلماتی هستند که درباره ی اسم توضیح می دهند و در عربی به آنها نعت گفته می شود .
موصوف: به اسمی گفته می شود که صفت در باره ی آن توضیح می دهد و به آن منُعت گفته می شود.

صفت به دو شکل به کار برده می شود :

(۱) مفرد

(۲) جمله و صفیه

صفت مفرد:

هر گاه صفت يك اسم باشد آن را صفت مفرد می نامیم و در چهار مورد از موصوف خود پیروی می کند.

موارد تبعیت صفت مفرد از موصوف:

(الف) در اعراب (رفع و نصب و جر)

(ب) در جنس (مذکر و مونث بودن)

(ج) در عدد (مفرد و مثنی و جمع بودن)

(د) در معرفه و نکره بودن

مانند: رجلٌ مؤمنٌ (رجلٌ : موصوف، مؤمنٌ : صفت مفرد)
الرجالُ المؤمنون: (الرجال: موصوف، المؤمنون :صفت مفرد)
تلميذاتٌ مومناتٌ : (تلميذاتٌ : موصوف، مومناتٌ : صفت مفرد)
المعلمين المومنين : (المعلمين : موصوف، المومنين: صفت مفرد)
شجرةٌ جميلةٌ : (شجرةٌ : موصوف، جميلةٌ : صفت مفرد)

چند نکته :

نکته ۱ : اسم موصول بعد از اسم دارای «ال» معمولاً صفت مفرد می باشد و معنی (که) دارد.
انا ذلك العبد الذي حمل معك القربة .

نکته ۲: اسم مشتق دارای «ال» بعد از اسم اشاره صفت مفرد بشمار می رود .
هؤلاء المسلمات مجاهدات في سبيل الله .

نکته ۳: «ذو» هرگاه بین دو اسم نکره قرار بگیرد صفت مفرد می باشند.
هو رجل ذو علم .

نکته ۴: هرگاه موصوف جمع غیر عاقل (غیر انسان) باشد صفت آن ، مفرد مؤنث به کار برده می شود. اگر موصوف جمع غیر عاقل باشد ، صفت فقط در معرفه و نکره بودن و اعراب از آن پیروی می کند .
مثال:

الأعمال الصالحة (الأعمال: موصوف جمع غیر عاقل، الصالحة: صفت مفرد مؤنث)
كُتِبَ مفيدة: (كتب: موصوف جمع غیر عاقل، مفيدة: صفت مفرد مؤنث)
كلماتٌ جديدة: (كلمات: موصوف جمع غیر عاقل، جديدة: صفت مفرد مؤنث)

صفت جمله وصفیه:

به جمله ای گفته می شود که بعد از اسم نکره قرار می گیرد و درباره ی اسم نکره توضیح می دهد و چون جمله مبنی به شمار می رود اعراب محلی دارد و جمله وصفیه در اعراب از اسم نکره پیروی می کند.

القناعة كنزٌ لا ينفد: القناعة مبتدا و مرفوع، كنزٌ: اسم نکره و موصوف، خبر، مرفوع-
لا ينفد: صفت جمله و صفیه، محلاً مرفوع)

رأيتُ تلميذاً يقرأ كتابه: (رأيتُ: فعل ماضی، تلميذاً: اسم نکره- موصوف- مفعول به و منصوب،
يقرأ كتابه: صفت جمله وصفیه -محلاً منصوب)

نکته: هرگاه فعل مضارع در يك جمله بعد از فعل ماضی قرار بگیرد فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

رأيتُ رجلاً يهتف بشره: رأيتُ: فعل ماضی، رجلاً: موصوف، يهتف بشره: صفت جمله وصفیه،
محلاً منصوب)

مضاف و مضاف الیه: هرگاه دو اسم در کنار هم قرار بگیرند به طوری که اسم اول به اسم دوم اضافه شده باشد یعنی اسم اول متعلق یا مختص اسم دوم باشد به اسم اول مضاف و به اسم دوم مضاف الیه گفته می شود.

مانند: سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ.

مضاف مضاف مضاف

الیه الیه

ویژگی های مضاف :

- * بدون (ال) است
- * بدون تنوین است
- * بدون نون مثنی یا جمع است
- * اعراب آن تابع نقش خود در جمله است

ویژگی های مضاف الیه:

- * می تواند با (ال) بیاید
- * می تواند با تنوین بیاید
- * اعراب آن همیشه مجرور است

نکته:

گاهی برای يك اسم مضاف الیه و صفت و هر دو با هم به کار برده می شود که در این صورت در زبان عربی بر خلاف فارسی ، مضاف الیه قبل از صفت به کار برده می شود.

مانند :

بندگان شایسته ی خدا = عبادُ الله الصالحون

درس ۶

اعراب فعل مضارع (رفع و نصب)

فعل مضارع جز در ۲ حالت زیر معرب است .

(۱) اتصال نون جمع مؤنث به آن.

(۲) اتصال نون تأکید به آن .

اعراب فعل مضارع

• رفع

• نصب

• جزم

نکته : فعل مضارع همیشه مرفوع است مگر آنکه یکی از عوامل نصب یا جزم بر آن وارد شود .

عوامل نصب مضارع عبارتند از :

آن - لن - کی - اذن - لی - حتی

اعراب فعل مضارع بر ۳ قسم است :

• ظاهری

• محلی

• تقدیری

علامت های اعراب ظاهری ۲ نوعند :

(۱) اصلی (۲) فرعی (نیابی)

علامت های اعراب ظاهری اصلی عبارتند از :

(۱) رفع : ضمه

(۲) نصب : فتحه

(۳) جزم : سکون

*** علامتهای اعراب ظاهری در فعل مضارع:**

(۱) صیغه های بدون ضمیر : رفع:ضمه | مانند : هو يَتَعَلَّمُ اللغة العربية .

نصب:فتح | مانند : المؤمن لن يكذب .

(۲) افعال خمسه : رفع:ثبوت نون | مانند : هم يَتَعَلَّمُونَ اللغة العربية .

نصب:حذف نون | مانند : المؤمنون لن يكذبوا .

(۳) صیغه های مبنی : محلی : محلاً مرفوع | مانند : هن يَتَعَلَّمْنَ اللغة العربية .

محلاً منصوب | مانند : المؤمنات لن يكذبن .

نکته : فعل مضارع هیچگاه مجرور نمی شود

*** اعراب تقدیری (در فعل مضارع):**

(۱) مختوم به «الف» : تقدیراً منصوب | مانند : ان يَخْشَى

(۲) مختوم به «واو» یا «یاء» : تقدیراً مرفوع | مانند : المؤمن يدعو الى الحق .

نکته :

اعراب فعل مضارع مختوم به «الف» در حالت رفع و نصب تقدیری است .

نکته :

اعراب فعل مضارع مختوم به «واو» یا «یاء» در حالت رفع تقدیری و در حالت نصب و ظاهری است .

درس ۷ اعراب فعل مضارع (جزم)

اعراب فعل مضارع

- رفع
- نصب
- جزم

نکته : فعل مضارع هیچگاه مجرور نمی شود

نکته : فعل مضارع همیشه مرفوع است مگر آنکه یکی از عوامل نصب یا جزم بر آن وارد شود .

عوامل جزم مضارع ۲ نوعند :

جازم ۱ فعل

جازم ۲ فعل (ادوات شرط)

ادوات (جازم ۱ فعل) عبارتند از :

لَمْ - لَمَّا - لَا نَهْي - لَا مَر

ادوات شرط (جازم ۲ فعل) عبارتند از :

إِنْ - مَنْ - مَا - أَيْنَمَا - كَيْفَمَا

نکته :

* ادوات شرط ۲ فعل را مجزوم می کنند. فعل اول را فعل شرط و فعل دوم را جواب شرط نامیده می شود .

مانند: إِنْ تَدْرُسْ تَنْجَحْ

* هرگاه فعل شرط یا جواب شرط ، ماضی باشند محلاً مجزوم می شوند.

مانند: مَنْ دَرَسَ نَجَحَ .

اعراب فعل مضارع بر ۳ قسم است :

- ظاهری
- محلی
- تقدیری

علامت های اعراب ظاهری ۲ نوعند :

(۲) اصلی (۲) فرعی (نیابی)

علامت های اعراب ظاهری اصلی (جزم) سکون می باشد .

*** علامتهای جزم در اعراب ظاهری فعل مضارع:**

(۱) صیغه های بدون ضمیر : سکون مانند : لا تُشْرِكُ بِاللّهِ شَيْئاً .

(۲) افعال خمسه : حذف نون مانند : لا تُشْرِكُوا بِاللّهِ شَيْئاً .

(۳) صیغه های مبنی : محلاً مجزوم مانند : لا تُشْرِكَنَّ بِاللّهِ شَيْئاً .

نکته :

اعراب (رفع ، نصب ، جزم) صیغه های مبنی ، محلی است

نکته :

اعراب فعل صیغه های بدون ضمیر مضارع مختوم به «الف» «واو» «یاء» در حالت جزم با حذف حرف آخر (ظاهری) است

نکته :

اعراب فعل صیغه های بدون ضمیر مضارع مختوم به «واو» یا «یاء» در حالت جزم ظاهری است

درس ۸ معلوم-مجهول

فعل متعدي ۲ نوع است :

*معلوم: فعلی است که فاعل آن، همراه آن به کار رفته باشد. **مانند :** كَتَبَ مُحَمَّدٌ

*مجهول: فعلی است که فاعل آن در کلام نباشد و مفعول به جای آن نشسته باشد.

مانند : قُرِئَ الدَّرْسُ، كُتِبَتْ رِسَالَةٌ

تذکر: تنها فعل ماضی و مضارع به صورت مجهول به کار برده می شود.

طرز ساخت فعل مجهول:

۱- ماضی:

حرف ماقبل آخر مکسور و همه حروف متحرک پیش از آن، مضموم می گردد.

مانند: عِلِمَ ← عُلِمَ اِکْتَسَبَ ← اُكْتُسِبَ

۲- مضارع:

حرف ماقبل آخر مفتوح و حرف مضارع (أ، ت، ی، ن) مضموم می گردد، بقیه حرکات و سکون آن تغییر نمی کند.

مانند: يَعْلَمُ ← يُعْلَمُ يَكْتَسِبُ ← يُكْتَسَبُ

*نکته :

در ساخت ماضی مجهول چنانچه ماقبل آخر «الف» باشد به «یاء» بدل می گردد.

صام ← صِيِمَ

اِسْتَجَابَ ← اُسْتُجِيبَ

***روش تبدیل جمله با فعل معلوم به مجهول:**

(۱) مجهول کردن فعل جمله

(۲) حذف فاعل

(۳) مرفوع کردن مفعول به عنوان نائب فاعل

(۴) مطابقت فعل مجهول با نائب فاعل از نظر جنس

***مانند:**

جمله معلوم : سَمِعَتِ الطِّفْلَةُ صَوْتًا فِي الْغُرْفَةِ .

مجهول کردن فعل جمله : سَمِعَتِ الطِّفْلَةُ صَوْتًا فِي الْغُرْفَةِ .

حذف فاعل : سَمِعَتِ صَوْتًا فِي الْغُرْفَةِ .

مرفوع کردن نائب فاعل : سَمِعَتِ صَوْتُ فِي الْغُرْفَةِ .

جمله مجهول : سَمِعَ صَوْتُ فِي الْغُرْفَةِ .

توضیح:

برای تبدیل جمله معلوم به مجهول علاوه بر حذف فاعل، فعل از نظر مذکر و مؤنث بودن با نائب فاعل مطابقت داده می شود.

***إِنْتَقَدَ الْأَدِيبُ الشَّعْرَ ← أُنْتُقِدَ الشَّعْرُ**

***إِفْتَتَحَ الرَّئِيسُ الْحَفْلَةَ ← أُفْتَتِحَتِ الْحَفْلَةُ**

نکته:

هرگاه مفعول به ، ضمیر باشد برای تبدیل آن به نائب فاعل ، آن ضمیر نصبی را حذف نموده به جای آن ضمیر ، معادل آن از ضمایر متصل رفعی به عنوان نائب فاعل قرار می دهیم .

***خَلَقَ اللَّهُ مِنْ طِينٍ .**

تُ

خُلِقْتُ مِنْ طِينٍ .

نکته :

*ضمایر متصل نصبی و معادل آنها از ضمایر متصل رفعی عبارتند از:

ه ، هما ، هم ، ها ، هما ، هُنَّ ، كَ ، كما ، کم ، كِ ، كما ، كُنَّ ، می ، نا
_ ، ا ، و ، _ ، ا ، ن ، تَ ، تما ، تم ، تِ ، تما ، تَنْ ، تْ ، نا

نکته :

*هرگاه مفعول ، ضمیر باشد می توانیم پس از حذف فاعل و مفعول ، فعل جمله را به صیغه ی آن ضمیر مفعولی ببریم آنگاه فعل حاصل را مجهول کنیم.

خَلَقَكُمْ اللهُ مِنْ طِينٍ .

صیغه ی ۹ : خَلَقْتُمْ : خُلِقْتُمْ مِنْ طِينٍ .

در مضارع : يُعَذِّبُونَكَ فِي السَّجْنِ .

تُعَذِّبِينَ

تُعَذِّبِينَ فِي السَّجْنِ .

نائب فاعل: اسم مرفوعی است که بعد از فعل مجهول بیاید و فعل به آن اسناد داده شده باشد.

مانند: كُتِبَ الدَّرْسُ

*ترتیب جمله ی فعلیه با فعل مجهول معمولاً به صورت زیر است:

فعل مجهول + نائب فاعل + مفعول به+ سایر اجزاء جمله

نکته : چنانچه فعلی بیش از یک مفعول داشته باشد. مفعول اول مرفوع و نایب فاعل قرار می گیرد و مفعول های دیگر به حال خود باقی می مانند .

مانند: دَرَسَ الْمُعَلِّمُ التَّلْمِيذَ دَرَساً.

دُرِّسَ التَّلْمِيذُ دَرَساً.

نکته : نایب فاعل در اصل مفعولی است که بعد از حذف فاعل و آمدن فعل به صورت مجهول جانشین فاعل شده و فعل به جای آن که به فاعل نسبت داده شود به مفعول نسبت داده شده است .

مانند: نَصَرَ عَلِيٌّ مُحَمَّدًا.

نُصِرَ مُحَمَّدٌ .

نائب فاعل مانند فاعل بر سه قسم است

- اسم ظاهر
- ضمیر بارز
- ضمیر مستتر

نکته: *ضمایر متصل رفعی که به فعل مجهول متصل می شوند همیشه نائب فاعل و محلاً مرفوع هستند. و عبارتند از:

« ا - و - ی - ن - نا - ت - ت - ث - ثما - ثم - تُن »

***مطابقت فعل مجهول با نائب فاعل :**

نائب فاعل اسم ظاهر اگر مفرد، مثنی یا جمع باشد فعل مجهول مفرد می آید.

مانند:

قُتِلَ المجرمُ قُتِلَ المجرمان قُتِلَ المجرمونَ

نکته :

نائب فاعل ، هیچگاه قبل از فعل مجهول نمی آید.

نکته : چنانچه مفعول ، از ضمایر متصل باشد برای تبدیل آن به نائب فاعل ، باید به جای آن از ضمایر متصل رفعی معادل آن (از نظر صیغه) استفاده کنیم.

مانند :

أَعْطَيْنَاكَ الكوثرَ. أُعْطِيَ الكوثرَ.

درس ۹ نواسخ (۱)

نواسخ افعال و یا حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) داخل می شوند و اعراب یکی از آن دو و یا هر دو را نسخ می کنند (تغییر می دهند) و مهم ترین آنها عبارتند از:

(۱) افعال ناقصه

(۲) حروف مشبیه بالفعل

(۳) لای نفی جنس

افعال ناقصة

مهم ترین افعال ناقصه عبارتند از :

- كَانَ
- صَارَ
- لَيْسَ
- اصْبَحَ
- مَا دَامَ

افعال ناقصه بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) داخل می شوند و مبتدا را مرفوع و خبر را منصوب می کنند .

مبتدا : اسم افعال ناقصه

خبر : خبر افعال ناقصه

مانند: الدرس سهل : كان الدرس سهلاً

المسألة صعبة : لَيْسَتِ المسألة صعبةً

اسم افعال ناقصه مانند فاعل بر سه قسم است :

- اسم ظاهر مانند : كَانَ الرجلُ مؤمناً .
- ضمير بارز مانند : كُنْتَ مؤمناً .
- ضمير مستتر مانند : كُنْ مؤمناً . (ضمير مستتر «انت»)

نکته :

*ضمایر بارزی که به افعال ناقصه متصل می شوند همیشه اسم آنها به شمار می آیند و محلاً مرفوع هستند. و عبارتند از:

« ا - و - ی - ن - نا - ت - ت - ت - ثما - ثم - تُن »

اسم افعال ناقصه

(متصل به فعل ماضی)

کانا - کانوا - کانتا - کُنَّ - کُنْتَ - کُنْتُمَا - کُنْتُمْ - کُنْتَ - کُنْتُنَّ - کُنْتُ

- کُنَّا

(اسم افعال ناقصه)

متصل به فعل مضارع

ی

تَكونانَ - یَكونونَ - یَكنَّ - تَكونانَ - تَكونونَ - تَكنَّ - تَكونینَ

خبر افعال ناقصه مانند خبر مبتدا به (۳) صورت می باشد:

(۱) مفرد مانند : كَانَ الْمُؤْمِنُ صَبُورًا.

(۲) جمله مانند : كَانَ الْمُسْلِمُ يَصْدُقُ.

كَانَ الْمُسْلِمُ قَلْبُهُ طَاهِرًا.

(۳) شبه جمله مانند : كَانَ النِّجَاحُ فِي الْاجْتِهَادِ.

كَانَ الْكِتَابُ عِنْدِي .

درس ۱۰ نواسخ (۲)

حروف مشبّهة بالفعل عبارتند از:

- إِنَّ
- أَنْ
- كَأَنَّ
- لَكِنَّ
- لَيْتَ
- لَعَلَّ

حروف مشبّهة بالفعل بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) داخل می شوند و مبتدا را منصوب و خبر را مرفوع می کنند .

مبتدا : اسم حروف مشبّهة بالفعل

خبر : خبر حروف مشبّهة بالفعل

مانند: اللَّهُ غَفُورٌ : إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

انت سمیع : إِنَّكَ سَمِیعٌ

نکته :

هر ضمیری که به حروف مشبّهة بالفعل متصل شود اسم آنها به شمار می آید.

اسم حروف مشبّهة بالفعل بر دو قسم است :

- اسم ظاهر مانند : إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ .
- ضمیر بارز مانند : إِنَّكَ غَفُورٌ .

نکته :

«ما» کافّة به حروف مشبّهة بالفعل ملحق می شود و عمل آنها را لغو می کند و در این صورت ، اسم و خبر ندارند بلکه بعد از آنها مبتدا و خبر و یا فعل و فاعل می آید.

نکته :

حروف مشبیه بالفعل چنانچه با «مای کافه» بیایند می توانند بر سر جمله اسمیه یا فعلیه داخل شوند.

مانند: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ.

مبتدا خبر

و مانند : إِنَّمَا يَحْتَرِمُ النَّاسُ الْمُجْتَهِدَ.

خبر حروف مشبیه بالفعل مانند خبر مبتدا به (۳) صورت می باشد:

(۱) مفرد مانند : إِنَّ الْمُؤْمِنَ صَبُورٌ.

(۲) جمله مانند : إِنَّ الْمُسْلِمَ يَصْدُقُ.
إِنَّ الْمُسْلِمَ قَلْبُهُ طَاهِرٌ.

(۳) شبه جمله مانند : إِنَّ النَّجَاحَ فِي الْاجْتِهَادِ.
إِنَّ الْكِتَابَ عِنْدِي.

«لا» نفی جنس

لای نفی جنس مانند حروف مشبیه بالفعل بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) داخل می شود و مبتدا را منصوب و خبر را مرفوع می کند .

مبتدا : اسم لای نفی جنس

خبر : خبر لای نفی جنس

مانند: رَجُلٌ فِي الدَّارِ : لَا رَجُلٌ فِي الدَّارِ

*ویژگی های اسم «لا» نفی جنس:

- ۱) بلافاصله پس از «لا» می آید.
- ۲) فقط به صورت اسم ظاهر می آید .
- ۳) مبنی «بناء عارضی» می باشد.
- ۴) به علت مبنی بودن ، تنوین نمی گیرد.
- ۵) به علت مبنی بودن ، اعراب آن محلی است.
- ۶) مبنی بر فتح و محلاً منصوب است.

انواع «لا»

- | | |
|---|--|
| } | نفی: قبل از فعل مضارع می آید و فعل را مجزوم نمی کند . |
| } | نهی: قبل از فعل مضارع می آید و فعل را مجزوم می کند . |
| } | نفی جنس : قبل از اسم می آید و اسم آن مبنی بر فتح است . |